

نقش رسانه در پیشگیری از جرم در سیاست جنایی ایران

حسنعلی مؤذن زادگان^۱

فاطمه افشاری^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۹/۲۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۱۲/۲۶)

چکیده

در هر کشور، پیشگیری از وقوع جرم، محور سیاست جنایی مدبرانه محسوب می‌شود. یکی از طرق وصول به امر پیشگیری، تأثیر رسانه‌های مختلف گروهی می‌باشد که با اتخاذ سیاست‌های کارآمد تقنینی، قضایی و مشارکتی می‌توان از آن به عنوان ابزاری برای پیشگیری از بزه کاری استفاده کرد. سیاست جنایی تقنینی ایران در ارتباط با انواع مختلف رسانه دارای ضوابط و مقررات ویژه‌ای است. با تحلیل محتوای مقررات ناظر به رسانه‌های مزبور می‌توان دریافت نقش چندانی در پیشگیری از وقوع جرم از طریق این رسانه‌ها پیش‌بینی نشده است. در سیاست جنایی قضائی نیز همانند سیاست جنایی تقنینی و مشارکتی، استفاده از رسانه در امر پیشگیری از وقوع جرم که به عنوان یکی وظایف قوه قضایه در اصل ۱۵۶ قانون اساسی مقرر شده است، جدی تلقی نشده است و برنامه ریزی خاصی در این راستا مشهود نیست.

واژگان کلیدی: رسانه، سیاست جنایی، سیاست جنایی مشارکتی، سیاست جنایی تقنینی،

سیاست جنایی قضایی. پیشگیری از وقوع جرم.

۱. نویسنده‌ی مسئول - دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

Email: moazenzadegan@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی.

مقدمه

در جهان امروز، رسانه‌ها با انتقال اطلاعات جدید و مبادله افکار و عقاید عمومی، در راه پیشرفت و تمدن بشری، نقش بزرگی را به عهده گرفته‌اند، به طوری که عصر امروز را عصر ارتباطات نامیده‌اند. رسانه‌های گوناگون اعم از دیداری، نوشتاری و شنیداری می‌توانند افکار و عقاید مردم را تحت تأثیر قرار دهند. زیرا رسانه‌های توسعه یافته امروزی، نقش بسیاری در فرهنگ سازی و هنجار آفرینی در جامعه دارند. اگر رسانه به نحو صحیحی در راستای فرهنگ یک جامعه مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند موجب القای سریع بسیاری از مفاهیم شود و از وقوع بسیاری از معضلات و جرایم در جامعه پیشگیری نماید. برعکس، اگر محتوای رسانه‌ها بدون هدف و کارشناسی تنظیم و ارائه شود، می‌تواند تأثیرات منفی بسیاری بر جامعه داشته باشد و حتی منجر به وقوع جرایم و انحرافات در جامعه گردد.

اهمیت خاص تحقیق در زمینه رسانه و پیشگیری از وقوع جرم از آن روست که این وسیله تمامی زندگی انسان را در بر می‌گیرد. رسانه در این مفهوم وسیله‌ای است که اخبار و اطلاعات را به مردم می‌رساند و وسیله رسانیدن پیام از پیام دهنده به پیام گیرنده است و واسطه‌ی عینی و عملی در فرآیند یا فرآیندهای برقراری ارتباط است و در یک تقسیم‌بندی در برگیرنده رسانه‌های نوشتاری شامل مطبوعات (روزنامه‌ها و مجلات) و کتاب و دیداری شامل رادیو، تلویزیون، سینما می‌شوند و اینترنت نیز می‌تواند در هر دو دسته قرار گیرد (برای مطالعه بیشتر ر.ک به: دیندار فرکوش و صدری نیا، ۱۳۸۸، صص ۴۰ و ۴۱ و ۱۴۲-۱۵۱؛ معتمد نژاد، ۱۳۸۶، صص ۱۸۴-۱۹۰؛ دانایی، ۱۳۸۸، صص ۱۲۵-۱۲۷ و ۱۳۶-۱۳۷ و ۱۵۰-۱۵۵ و ۱۷۱-۱۷۳).

ارزیابی یا پیش بینی واقعی تأثیر رسانه‌ها بر مخاطبان امری بسیار مشکل است. اگر درباره عملکرد رسانه‌ها بیاندیشیم، مشاهده می‌کنیم رسانه‌های گروهی نقش و عملکرد متفاوتی دارند. مقوله رسانه‌ها و پیشگیری از جرایم به بررسی همه جانبه در سطح ملی و محلی نیاز دارد (چینی شهمیری، ۱۳۸۲، ص ۱۷۲). امروزه مطرح شدن وسایل ارتباط جمعی به عنوان چهارمین رکن حکومت دموکراسی در کنار ارکان سه گانه مقننه، قضاییه و مجریه، خود بهترین نشانه رابطه میان آن‌ها و نظام مردمی است.

رسانه‌های جمعی مانند سینما و تلویزیون به صورت دیداری و شنیداری در القای الگوهای رفتاری بسیار مهم‌اند. این رسانه‌ها، به عنوان یکی از عوامل اجتماعی شدن افراد، با برنامه‌های خود می‌توانند سطح آگاهی را بالا ببرند و الگوهای متناسب را به عنوان ارزش‌های جامعه تبلیغ کنند. رسانه‌های جمعی با آگاه کردن مردم از پیامدهای ناگوار جرایم و نیز در راستای پیشگیری و دادن الگوهای مناسب رفتاری، می‌توانند نقش مهمی در پیشگیری از وقوع جرم داشته باشند.

رسانه، بر اساس دو محور می‌تواند وظیفه پیشگیری از جرم را ایفا نماید. ۱- نقد و بررسی محتوای برنامه‌ها و مطالب رسانه‌ها؛ ۲- برنامه‌سازی و اطلاع‌رسانی و تولید برنامه و اطلاعات با عنایت به روح سیاست جنایی و وضعیت جرم در جامعه.

در استفاده مستقیم از رسانه‌ها برای پیشگیری از وقوع جرم، محور برنامه‌سازی و اطلاع‌رسانی باید مورد توجه قرار گیرد. در برنامه‌سازی، رسانه باید به تولید برنامه‌هایی متناسب با ذهنیت و خواست اقشار مختلف مردم، تهیه برنامه‌های آموزشی با موضوع‌های مختلف فرهنگی، تربیتی، علمی و... اقدام نماید. برنامه‌سازی شامل تولید فیلم سینمایی، داستانی، مستند، انیمیشن و... به منظور آموزش قوانین و مقررات به مردم، ترویج فرهنگ احترام به قانون، معرفی نهادهای متولی امنیت اجتماعی، معرفی مراکز حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده جامعه، ترویج کنترل اجتماعی و مشارکت مدنی در پیشگیری از وقوع جرم و افزایش امنیت جامعه، آموزش مکانیزم‌های دفاع اجتماعی و پیشگیری از بزه‌دیدگی، آموزش مهارت‌های زندگی و راهبردهای حل مسأله و... است.

در اطلاع‌رسانی نیز رسانه از راهکارهای مختلف بهره می‌جوید. ابزارهایی مانند تهیه خبر، گزارش خبری، مصاحبه، تفسیر و... در مورد تغییر و اصلاح قوانین و مقررات، عملکرد نهادهای متولی نظم و امنیت اجتماعی، موانع و تنگناهای قانونی، اجرایی، اجتماعی و... در پیشبرد نظم و امنیت در جامعه، ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی حوادث اجتماعی، اطلاع‌رسانی در مورد جرایم ملی و سازمان یافته و...، تحولات سیاست جنایی کشور در سالهای اخیر و تغییر ساختار و تشکیلات و ظرفیت‌های دادرسی در قوه قضائیه و... مثال‌های مناسبی برای اطلاع‌رسانی هستند.

با اطلاع رسانی در مورد عملکرد دادرها، تشریح مراحل دادرسی، وجود موانع دادرسی مانند اطاله دادرسی می‌توان به مردم آموزش داد که پلیس خود باشند و از بزه‌دیده شدن پیشگیری کنند تا مجبور به ارجاع به نهادهای دادگستری نشوند. اطلاع رسانی در مورد تنگناهای قانونی و نقد و بررسی عملکرد نهادهای متولی نظم و امنیت اجتماعی و قضایی زمینه تغییر قوانین و اصلاح ساختار و تشکیلات و رویه‌های سازمانی را فراهم می‌کند و از منظر تقویت ساز و کارهای رسمی مقابله با جرم، به پیشگیری از جرم کمک می‌کند. تأکید بر پاسخگویی نهادهای امنیتی و قضایی به مردم، مسئولان دستگاه‌های ذیربط را به اصلاح برنامه‌ها و سیاست‌ها و توجه به افکار عمومی سوق می‌دهد و با اعتماد سازی در جامعه، زمینه تقویت مشارکت مدنی در توسعه قضایی و مقابله با جرم را فراهم می‌کند. با آموزش حقوق اساسی به مردم و هشدار در مورد اجرای اصول معطل مانده قانون اساسی به زمامداران، اطلاع رسانی صادقانه در مورد مسائل سیاست داخلی و خارجی و مسایل بین‌المللی، اطلاع‌رسانی در مورد حقوق اساسی سایر کشورها و.... می‌توان به اعتماد سازی ملی و پیشگیری از نارضایتی و جرایم سیاسی پرداخت.

هر چند رسانه‌های گروهی با قدرت بسیار خود می‌توانند مشارکتی فعال، تأثیرگذار و فزاینده در سیاست جنایی داشته باشند، چنانچه این قدرت به شکل ناآگاهانه یا سودمدارانه استفاده شود، می‌تواند به ابزار تهدیدآمیزی برای حقوق و آزادیهای فردی و افزایش احساس ناامنی در جامعه تبدیل شود. این نکته غیر قابل انکار است که سینما و تلویزیون به واسطه کشتی که دارند اثر عمیق روحی و تربیتی بر افراد به ویژه اطفال و نوجوانان می‌گذارند.

از سوی دیگر، هر جامعه برای مدیریت جرایم و پیشگیری از وقوع آنها، سیاست جنایی خاصی متناسب با آن جامعه تنظیم می‌کند. تعاریف متعددی از سیاست جنایی توسط حقوقدانان ارائه شده است. در همه تعاریف ارائه شده عناصر بزه، بزه دیده، بزهکار، بزهکاری، واکنش سرکوبگر، پیشگیرانه یا اصلاحی به عنوان ارکان تعریف ملحوظ اند (ر.ک به: نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۸، ص ۹؛ لارزر، ۱۳۹۰، صص ۱۱-۱۷؛ حسینی، ۱۳۸۳، صص ۲۲-۲۴؛ رشادتی، ۱۳۸۷، صص ۳۴۰ و ۳۴۱؛ محمدنژاد، ۱۳۸۴، ص ۴۱؛ باصری، ۱۳۸۷، ص ۳۳؛ نوربها، ۱۳۸۷، ص ۱۰۴؛ لواسور، ۱۳۸۴).

سیاست جنایی دارای ویژگی‌هایی است. اول آن که علاوه بر تبیین جرم و مجازات، محدوده پیشگیری، درمان، اصلاح و حتی ماقبل پیشگیری از جرم را نیز مدنظر قرار می‌دهد؛ ویژگی دیگر آن است که تنها محدود به دولت نیست و سایر نهادهای غیر دولتی و مردم را نیز شامل می‌شود؛ علاوه بر آن، مجموعه ای گسترده از اقدامات متفاوت است، نه یک اقدام و یک تدبیر و ویژگی آخر، آن که به انحراف نیز توجه دارد. پس اگر بخواهیم یک تعریف جامع که شامل تمام ویژگی‌های سیاست جنایی باشد، می‌توان این تعریف را از سیاست جنایی ارائه نمود: مجموعه‌ای از جهت‌گیری‌ها و اقدامات متفاوت دولت، نهادهای غیر دولتی و مردم در مهار بزهکاری و انحراف که علاوه بر مبارزه با جرم و توجه به مجازات‌ها و اصلاح مجرمین، مرحله پیشگیری و حتی ماقبل آن را نیز در بر می‌گیرد.

در این تعریف، سیاست جنایی محدود به جرم و مجازات نیست و پیشگیری از جرم، نقش نهادهای غیر دولتی و مردم در تعریف جایگاه مهمی دارند، بدین سان سیاست جنایی دارای دامنه بسیار وسیعی تلقی شده است. با توجه به این امر می‌توان گفت، هدف سیاست جنایی، مبارزه منطقی و عاقلانه با بزهکاری و انحراف از طرق پیشگیری و تنبیه است. در این موضوع علاوه بر پیشگیری از وقوع جرم به انحرافات اجتماعی نیز توجه دارد. برای امر پیشگیری از جرم راهکارهای مختلفی در سیاست جنایی تقنینی، قضایی و مشارکتی، (محمد نژاد، ۱۳۸۴، ص ۳۷) در نظر گرفته می‌شود. با توجه به تأثیرات رسانه در جهان امروز، می‌توان به این امر توجه داشت که برای پیشگیری از جرم، استفاده از رسانه‌ها، در سیاست جنایی کشور ما ملحوظ نظر قرار گیرد.

از این رو، در مقاله پیش رو، به نحو توصیفی - تحلیلی، میزان توجه به این امر، در سیاست جنایی ایران، بررسی می‌شود تا به این پرسش پاسخ دهیم که با توجه به گستردگی رسانه‌ها در جهان امروز و تأثیر فراوان آنها بر زندگی مردم، آیا در سیاست جنایی ایران، نقشی برای رسانه، در راستای هدف پیشگیری از جرم، در نظر گرفته شده است؟ به نظر می‌رسد با توجه به دولتی بودن اکثر رسانه‌ها در ایران، نظام حقوقی ایران می‌تواند برای پیشگیری از جرم، در سیاست جنایی خود، جایگاه مهمی را برای رسانه قائل باشد. با این وجود، تاکنون جایگاه رسانه در انواع مختلف سیاست جنایی در ایران، بسیار کم‌رنگ به نظر می‌رسد و جایگاه واقعی آن در

این راستا، مورد توجه واقع نشده است. زیرا در قوانین مختلف که به مسأله پیشگیری پرداخته اند، بر نقش رسانه هیچ توجهی نداشته است. علاوه بر آن، قوانینی نیز که به بررسی جایگاه و نقش رسانه‌ها پرداخته است، بیشتر از آنکه به نقش مثبت رسانه توجه نماید بر کارکرد منفی آن عنایت کرده و در پی حذف رسانه است. در رویه دادگاه‌ها و همچنین در استفاده از وسایل غیر دولتی در راستای رسیدن به اهداف سیاست جنایی نیز توجه چندانی به رسانه نشده است. محور بحث در این مقاله، تبیین نقش رسانه در سیاست جنایی پیشگیری از وقوع جرم است. در مقاله پیش رو بر آنیم نقش رسانه در پیشگیری از وقوع جرم بر انواع مختلف سیاست جنایی (تقنینی، قضایی و مشارکتی) را مطالعه نمائیم. اما به دلیل آن که سیاست جنایی قضایی در تصمیم‌ها و رویه‌های قضایی دادرها و دادگاه‌ها منعکس می‌شود و ابزارهای تأثیرگذار در سیاست جنایی مزبور، تصمیمات نهادها و مقاماتی مانند حضور هیأت منصفه، مشاوران و دادرسان مردمی است (باصری، ۱۳۸۷، ص ۳۶؛ لازرژ، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳)؛ اما در آراء قضات دادگاه‌ها و رویه‌ها نقشی برای رسانه در پیشگیری از جرم پیش بینی نشده است. لیکن باید توجه داشت که رسانه می‌تواند زمینه تحقق یک دادرسی عادلانه را فراهم سازد. چرا که حضور رسانه در جلسات دادگاه‌ها، با هدف آگاه سازی مردم در پرتو علنی بودن دادرسی‌ها، نه تنها به انجام دادرسی منصفانه و بی‌طرفانه کمک می‌کند بلکه در نقد منصفانه و به دور از غرض ورزی دادگاه‌ها و تصمیمات قضائی نیز می‌تواند مؤثر باشد و موجب پیشگیری از جرم شود (جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۲۷).

بدین سان در مقاله پیش رو، به بررسی سیاست جنائی تقنینی و مشارکتی اکتفا می‌نمائیم. اما به دلیل این که سیاست جنائی قضائی در واقع، نحوه اعمال دستوری است که توسط قوه مقننه مشخص شده است (صفوی، ۱۳۸۹، ص ۳۲؛ آقازاده، ۱۳۸۱، ص ۷؛ رحمدل، ۱۳۸۵، ص ۱۶). در بحث سیاست جنائی تقنینی به جایگاه قوه قضائیه در پیشگیری از جرم بر طبق قانون می‌پردازیم که می‌توان این امر را به نوعی سیاست جنائی تقنینی قضائی برای نشان دادن نقشه راه به قوه قضائیه توسط قانونگذار دانست.

۱- بررسی نقش رسانه در پیشگیری از جرم در سیاست جنایی تقنینی ایران

دولت با وضع قوانین ویژه افراد را به رعایت و اتخاذ اقدامات و تدابیر و مقررات امنیتی لازم و اولیه ملزم می‌نماید (ساداتی، ۱۳۸۵، ص ۴۱). این سیاست را می‌توان به طرز تلقی و برداشتی که مقام‌های قانونگذاری در قالب وضع و تصویب متون مختلف، از سیاست جنایی دارند تعبیر نمود (آقازاده، ۱۳۸۱، ص ۷؛ رحمدل، ۱۳۸۵، ص ۱۶؛ باصری، ۱۳۸۹، ص ۴۴). در واقع سیاست جنایی تقنینی، ناظر به امر قانونگذاری در اتخاذ تدابیر مدبرانه برای مقابله با بزهکاری است.

وظیفه قانونگذاری در کشور ما بر اساس قانون اساسی، بر عهده مجلس شورای اسلامی نهاده شده است. قانونگذاری توسط مجلس انجام می‌شود اما در فرآیند تهیه و تنظیم یک پیش‌نویس قانونی تا تصویب آن، تحقیقات علمی، افکار عمومی، روشنفکران، گروه‌های ذی نفوذ اجتماعی، سازمان‌های مستقل، احزاب و به ویژه رسانه‌های گروهی در آگاه‌سازی مردم نقش مهمی را بر عهده دارند (باصری، ۱۳۸۷، ص ۳۶؛ سوتپیل و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۲۰۲؛ خالصی، ۱۳۸۳، ص ۳۲). پس باید بر این نکته توجه داشت که رسانه در مرحله قبل از تدوین قوانین نیز جایگاه مهمی دارد. در این سطح، رسانه‌های گروهی با آگاه‌سازی مردم و شرکت دادن آن‌ها در فرآیند تهیه و تنظیم یک پیش‌نویس قانونی، نقش ارزنده‌ای دارند (جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۲۷). که در این زمینه نیز می‌تواند با اطلاع‌رسانی صحیح، زمینه تصویب قوانین مناسب برای پیشگیری از جرم را فراهم کند. پس نمی‌توان یک قانون را ساخته قانونگذار دانست بلکه در ایجاد آن عوامل و زمینه‌های متفاوتی تأثیرگذار است و همپای توسعه و تحول جامعه تغییر می‌کند. بدین سان، لازم است قانونگذار برای تصویب قوانین و تنظیم سیاست جنایی مناسب و کارآمد، به واقعیت‌ها، حقایق جامعه، ارزشهای اخلاقی، محدود نمودن دخالت حقوق جزائی، استفاده از یافته‌های جرم‌شناسی و کیفرشناسی و استفاده از ضمانت‌اجراهای غیر کیفری، توجه داشته باشد. به این معنا که تلاش قانونگذار بر این باشد تا از وقوع بزه پیشگیری نماید و به توده مردم، اخلاق پسندیده را بیاموزد، نه آنکه دائماً به جرم‌زایی پرداخته و مجازات‌ها را سنگین‌تر نماید (محمدنژاد، ۱۳۸۴، ص ۴۱).

قانونگذار در قوانین مختلف، نهادهایی را برای پیشگیری از جرم پیش‌بینی نموده است. اما با توجه به این که موضوع مورد بررسی ما در این تحقیق رسانه است، از پرداختن به این

سازمان‌ها خودداری می‌نمایم و تنها به بررسی قوانینی می‌پردازیم که به نوعی برای رسانه نقش پیشگیرانه در نظر گرفته‌اند.

۱-۱- قانون مطبوعات

مطبوعات در پرورش و یا انحراف افکار عمومی، نقش مهمی ایفا می‌نمایند و بهترین وسیله برای روشن شدن اذهان و تلقین افکار و عقاید می‌باشند (دانش، ۱۳۷۶، ص ۲۶۳). مطبوعات همان طور که می‌تواند زوایای تاریک حقایق اجتماعی را روشن دارد و تصورات نادرست افراد را اصلاح نماید به همان نحو می‌تواند با ذکر مطالب مضر، موجب انحراف و فساد و آلودگی آن‌ها را فراهم سازد. این امر بسته به هدفی است که مطبوعات در جهت مورد نظر خود دارند (شامیاتی، ۱۳۷۷، صص ۲۳۶ و ۲۳۷).

اولین قانونی که برای رسانه در مسیر پیشگیری از جرم نقشی تعیین نموده است، قانون مطبوعات است. این قانون، در تاریخ قانونگذاری ایران، بحث انگیزترین قانون از جهت تصویب، تغییر و اصلاحات به شمار می‌آید. علت این حساسیت و انگیزه این تغییر و تحولات، انگیزه‌ها و موقعیت سیاسی- اجتماعی، اهمیت و جایگاه مهم مطبوعات و نقش آن‌ها در سازمان‌دهی و جهت‌دهی افکار عمومی است (اسماعیلی، ۱۳۸۲، صص ۲۵ و ۲۶).

بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، با استقرار نظام اسلامی به دلیل اهمیت مطبوعات و فقدان ساختارهای حقوقی و وجود توطئه‌های دولت‌های دشمن انقلاب اسلامی، قبل از تدوین قانون اساسی و ایجاد قوه مقننه، «لایحه قانونی مطبوعات» در ۲۰ مرداد ۱۳۵۸ به تصویب شورای انقلاب رسید که شتاب زدگی در آن مشهود بود (پیشین، صص ۳۸ و ۳۹). بعد تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی و پیش‌بینی نقش و جایگاه مطبوعات و آزادی بیان در آنها در اصول مختلف، همه در انتظار یک قانون مطبوعات کامل بودند. قانون مطبوعات، در اسفند ۱۳۶۴ به تصویب مجلس رسید؛ اما به دلیل وجود نقایص، در اردیبهشت سال ۱۳۷۴، پیش‌نویس «طرح قانون مطبوعات» از طرف ۱۷ نماینده ارائه شد که با مخالفت شدید روزنامه‌نگاران و افکار عمومی مواجه شد و کنار نهاده شد. پس از آن در سال ۱۳۷۸، طرح جدیدی به نام «اصلاح

قانون مطبوعات» ارائه شد که در ۱۳۷۹/۱/۳۹ به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسید (پیشین، صص ۴۱-۳۹). در برخی از مواد این قانون، پیشگیری به شرح ذیل مشهود است؛ ماده ۲، فصل دوم این قانون، اختصاص به رسالت مطبوعات دارد. رسالت مطبوعات را می‌توان دو امر دانست: اول، ارائه اخبار و آگاه ساختن افراد و دوم، تربیت و ارشاد افکار مردم. (معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۸۲، ص ۱۸۹) ذکر این نکته در اینجا لازم است که عنوان «رسالت» دارای بار حقوقی نیست. در واقع رسالت بیانگر ایده آل و غایت قانونگذار از وضع قانون است که نباید در متن قانون ذکر شود؛ بلکه جایگاه آن در مقدمه توجیهی قانون است. اگر از این بی‌دقتی قانونگذار بگذریم، در چند بند ماده مزبور، اهدافی که قانونگذار پیش‌بینی کرده است، به نوعی سیاست پیشگیری از جرم تلقی می‌شود.

در بند «ب»، رسالت مطبوعات را پیشبرد اهداف قانون اساسی می‌داند. همان طور که می‌دانیم یکی از وظایف پیش‌بینی شده در قانون اساسی، پیشگیری از جرم است که طبق اصل ۱۵۶، تکلیف آن بر عهده قوه قضائیه نهاده شده است؛ مطبوعات می‌توانند برای تحقق وظیفه مذکور مانند ابزاری در دست قوه قضائیه بوده تا هدف پیشگیری تحقق یابد. نکته مهم دیگر در این ماده استفاده از واژه «پیشبرد» است. با توجه به آن می‌توانیم بیان کنیم که مطبوعات می‌توانند کمک‌کننده مؤثری برای قوه قضائیه و دستگاه‌های ذی ربط آن در پیشگیری از جرم باشند. مطبوعات علاوه بر اعلان اطلاعیه‌های قوه قضائیه و اطلاع رسانی به مردم، می‌توانند نقش مؤثری در آموزش عامه، برای پیشگیری از جرم داشته باشند.

در بند «ج»، هدف اتحاد میان اقوام و اقشار مختلف ایرانی مطرح شده است و از مطبوعات خواسته شده تا مرزبندی‌های کاذب و تفرقه‌انگیز را نفی نمایند. این امر نیز به نوعی با هدف پیشگیری از جرم مرتبط است. اگر مطبوعات این رسالت را انجام نداده و تلاشی در این زمینه نکنند و به دلایلی اختلاف بین اقوام و اقشار مختلف ایجاد شود به طور حتم، علاوه بر جنگ افروزی میان اقوام، امنیت ملی نیز خدشه‌دار می‌شود و وقوع جرایمی همچون جرایم علیه امنیت را می‌توان انتظار داشت. به همین دلیل قانونگذار برای جلوگیری از این قبیل جرائم، از ابتدا مطبوعات را از این امور منع کرده است.

در بند «د»، قانونگذار وظیفه مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری از قبیل اسراف، تجمل پرستی، اشاعه فحشا را بر عهده مطبوعات نهاده است. با توجه به این که هر کدام از امور ذکر شده در ماده و امور مانند آن نیازمند فرهنگ‌سازی و نهادینه شدن به عنوان یک ارزش هستند، قانونگذار وظیفه فرهنگ‌سازی و آشنایی ملت با فرهنگ اصیل اسلامی را بر عهده مطبوعات نهاده است تا از وقوع جرایم پیشگیری به عمل آورد.

علاوه بر اهداف ذکر شده در ماده ۲، قانونگذار در این قانون هدف دیگری را نیز در نظر دارد و آن پیشگیری از جرم مطبوعاتی است. قانونگذار در فصل چهارم (مواد ۶ و ۷)، با بیان حدود مطبوعات در پی دستیابی به این هدف است و برای پیشگیری از جرم مطبوعاتی، محدودیت‌هایی را برای مطبوعات ترسیم کرده است. اما متأسفانه با وجود هدف والا در تصویب این مواد، قانونگذاری در دو ماده این فصل بسیار ضعیف است و اشکالات فراوان در آنها به چشم می‌خورد که تا به امروز نیز اصلاح نشده‌اند (با توجه به اینکه بررسی محتوای این مواد و بیان اشکالات آن از بحث مورد نظر ما خارج است؛ به همین دلیل از بررسی آن خودداری می‌کنیم). از جمله اشکالات موجود در این دو ماده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

این فصل با عنوان حدود مطبوعات است. بدین معنا که نشریات را جز در مواردی که به حقوق دیگران لطمه می‌زند، آزاد دانسته است و اجازه بیان کل مطالب را جز در محدوده این دو ماده مجاز می‌داند. اما در ماده ۶ این قانون، موارد را ممنوع تلقی کرده و در صدر ماده ۷، موارد را ممنوع و جرم تلقی می‌کند. گویا قانونگذار این تصور را تداعی نموده است که موارد ماده ۶ ممنوع هستند، اما جرم به شمار نمی‌روند. در حالی که در تبصره این ماده برای آن موارد ممنوع، مجازات در نظر گرفته است. به نظر می‌رسد بهتر بود قانونگذار در ماده ۶ به بیان موضوع و در ماده ۷ به بیان جرایم و مجازات می‌پرداخت. علاوه بر آن در بند ۱ ماده ۶، نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی را عطف به مواردی دانسته که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد می‌کند، اما باید توجه داشت که مواردی وجود دارد که مخالف اساس جمهوری است اما خلاف اسلام نیست. اشکال دیگر که در ماده ۶ وجود دارد ذکر مجازات در تبصره است. در قانونگذاری باید مجازات در بدنه ماده ذکر گردد و موارد تکمیلی در تبصره بیان شود اما در این ماده مجازات در تبصره آمده است در حالی که ذکر مجازات از موارد

فرعی به شمار نمی‌رود. همچنین در این تبصره، مجازات همه موارد ماده ۶ را ارجاع به ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی داده است در حالی که موارد بیان شده در ماده ۶، در مواردی بسیار سنگین هستند و مجازات نشر اکاذیب برای آنها کم بوده و جرم و مجازات با یکدیگر تطابق ندارند چرا که اثر جرم بیشتر از مجازات است. علاوه بر این در تبصره ماده مزبور اصرار بر جرم را مستوجب تشدید مجازات دانسته است. در حالی که اصرار، عنوان حقوقی نیست و تنها عنوان تکرار و تعدد در قانون ذکر شده است. همچنین میزان تشدید را بیان نکرده است. موارد ذکر شده در ماده ۷ که جرایم را بیان کرده است نیز در موارد متعدد با ماده ۶ هم پوشانی دارد. اگر از اشکالات فراوان موجود در این دو ماده چشم پوشی نمائیم، می‌توان گفت که در این مواد، قانونگذار در پی پیشگیری از جرم مطبوعاتی است و از ابتدا با ذکر محدودیت‌ها سعی بر آن دارد تا مانع تحقق جرم مطبوعاتی گردد. بدین سان می‌توان گفت که در میان اهداف پیش بینی شده در این قانون، هدف پیشگیری از جرم مشهود است.

۱-۲- قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره

قانون دیگری که مورد بررسی واقع می‌شود، قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره است. با گسترش روز افزون پخش برنامه‌های ماهواره ای، قوه مقننه ایران در راستای اقدامات پیشگیرانه، در اواخر سال ۱۳۷۳ اقدام به تنظیم و تصویب قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره کرد و چندی پس از آن، در اوایل سال ۱۳۷۴، آیین نامه اجرایی آن تدوین شد (پژوهشگر گروه مطالعات حقوقی سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۰، صص ۱۷۷ و ۱۷۸).

رویکرد قانونگذار ایران به این رسانه نوعی رویکرد منفی است، بدین معنا که قانونگذار، اثرات منفی و مخرب آن را بیش از آثار مثبت می‌داند و ماهواره را وسیله ای جرم‌زا تلقی می‌کند، به همین دلیل در ماده ۱، حکم ممنوعیت استفاده از تجهیزات ماهواره را بیان کرده است. این اقدام بازدارنده، از جمله اقدامات اعمال حاکمیت است که در محدوده داخل کشور و با اهداف خاصی انجام پذیرفته است. با توجه به اسلامی بودن کشور و نوع خاص فرهنگ متداول در میان مردم، فلسفه و هدف خاصی در جرم‌انگاری استفاده از تجهیزات ماهواره وجود دارد. به نظر می‌رسد این جرم‌انگاری از دیدگاه قانونگذار به دلیل تأثیرات ماهواره است؛ به

نظر می‌رسد ماهواره به عنوان یک سلاح کنترل در فضا در جهت حفظ منافع کشورهای قدرتمند است و با ارائه برنامه، اطلاعات و اخبار و فیلم‌های خود، ملل کوچک را از دسترسی به فرهنگ و هویت خویش باز می‌دارد (کریستیانز، جی، ۱۳۷۵، ص ۳۳). همچنین ماهواره موجب از بین رفتن قبح روابط غیر اخلاقی در کانون گرم خانواده، سستی و از هم پاشیدن نهاد خانواده، ایجاد روحیه خشونت‌گرایی در جوانان و نوجوانان، تغییر و دگرگونی ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، تجردگرایی و فرار از ازدواج، افزایش خطر در دام اعتیاد افتادن، افزایش کجروی و انحرافات، جایگزینی تفکرات مادی و دنیوی به جای اخلاق و معنویات، تحمل هزینه‌های هنگفت اقتصادی، افزایش جرم و جنایت در جامعه با ایجاد تغییرات فرهنگی - اجتماعی، ترویج فرهنگ مدگرایی و تجمل‌گرایی در جامعه، خودکم‌بینی فرهنگی با مشاهده مصادیق فرهنگ غرب، ایجاد مشاغل کاذب مثل تهیه و توزیع فیلم و CD غیرمجاز، تزریق عقاید غربی به افراد، عوارض روحی - روانی تماشای فیلم‌های مبتذل و مستهجن می‌شود. در برنامه‌های ارائه شده از طریق ماهواره عمدتاً تأکید بر مخاطبان جوان و اشخاص بی تفاوت است و علت این امر را می‌توان در آسیب‌پذیری این دو قشر در برابر القا و ترغیب دانست (آشنا، ۱۳۷۶، ص ۵۳). اما باید توجه داشت که ماهواره می‌تواند آثار مثبتی نیز داشته باشد و به امر پیشگیری از جرم نیز پردازد. ارائه اطلاعات و اخبار از تمام دنیا، برنامه‌های متنوع علمی، تحلیل‌های سیاسی، برنامه‌های متنوع مذهبی، بهداشتی و... که از طریق برنامه‌های متنوع ماهواره پخش می‌گردد، بخشی از آثار مثبت ماهواره است که می‌تواند با تقویت بعد علمی، دینی و مذهبی، اطلاعات سیاسی و... در پیشگیری از جرم موثر باشد.

با توجه به این رویکرد قانونگذار در خصوص ماهواره و ممنوعیت آن برای پیشگیری از جرم، به مطالعه مواد مختلف این قانون برای بررسی سیاست جنایی قانونگذار ایران در پیشگیری از جرم از گذر رسانه می‌پردازیم.

با توجه به پیش‌بینی راه حل ممنوعیت استفاده از ماهواره برای پیشگیری از آثار مخرب آن، می‌توان گفت قانونگذار ایران، ماهواره را جرم‌زا می‌داند؛ پس برای پیشگیری از جرم توسط این وسیله، ورود، توزیع و استفاده از ماهواره را در موارد قانونی ممنوع کرده است (ماده ۱ قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۱۳) و ضابطین خاصی را برای جمع

آوری فیزیکی آن و جلوگیری از ورود و توزیع آن پیش بینی نموده است (مواد ۲ و ۳ قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۱۳). علاوه بر آن، برای جرم انگاری خود، ضمانت اجرا نیز پیش‌بینی نموده و برای ورود، تولید، توزیع و استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره، مجازات، پیش‌بینی نموده است (مواد ۷ و ۸ قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۱۳).

با توجه به دید قانونگذار و این تصور که با ورود برنامه‌های ماهواره به مرزهای جغرافیایی، بی‌بند و باری، جرایم جنسی و به دنبال آن، نابودی خانواده وجود خواهد داشت، وزارت ارشاد و وزارت پست و تلگراف و تلفن (وزارتخانه به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تغییر یافته است که در حال حاضر برنامه ادغام آن با یکی دیگر از وزارتخانه‌ها وجود دارد). را مسئول حفاظت از مرزهای فرهنگی و حفظ خانواده علیه برنامه‌های مخرب و مبتدل ماهواره می‌داند (ماده ۱۰ قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۱۳). در واقع قانونگذار، برای پیشگیری از جرم، به طور کلی حراست از مرزهای فرهنگی و خانواده را بر عهده دو وزارتخانه نهاده است تا برنامه‌های ماهواره موجب جرم در جامعه نگردند؛ اما نحوه این حراست بیان نشده است. به نظر می‌رسد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمینه فرهنگ سازی می‌تواند نقش موثری ایفا کند و با برنامه‌های آموزشی، ایجاد فرهنگ عدم استفاده از برنامه‌های مخرب، تشویق برنامه سازان داخلی به تهیه برنامه‌هایی با رویکرد مذهبی و فرهنگ ملی که جذابیتی در حد برنامه‌های ماهواره داشته باشند، به مقابله با برنامه‌های مخرب ماهواره پردازد؛ اما نقش وزارت پست و تلگراف و تلفن، بیشتر منع فیزیکی در استفاده از ماهواره است مثل فیلتر، پارازیت کردن سیگنال‌ها است.

علاوه بر این، در قانون مزبور، کار فرهنگی نیز پیش‌بینی شده است و کلیه دستگاه‌های فرهنگی موظف شده‌اند تا به تبیین آثار مخرب برنامه‌های منحرف کننده پردازند (ماده ۴ قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۱۳). این پیش‌بینی مفید است اما در کنار بیان مضرات، باید برنامه‌های مفید، همزمان، جایگزین این برنامه‌ها گردند و دستگاه‌های فرهنگی به ویژه رسانه‌های داخلی به نحو پایاپای به مقابله با برنامه‌های منفی ماهواره پردازند. مشکلی که در این ماده وجود دارد آن است که قانونگذار در ارتباط با تکلیف دستگاه‌های

فرهنگی، هیچ ضمانت اجرایی پیش بینی نکرده است. ایراد دیگر ماده، ابهام در واژه «منحرف کننده» است. انحراف اعم است از اخلاقی، سیاسی، جنسی و... که با توجه به اعم آمدن این لغت، گویا قانونگذار می‌خواسته با همان دید ابتدایی خود، اکثر برنامه‌های ماهواره را منحرف کننده شمرده و آن را ممنوع بداند.

با وجود این سیاست قانونگذار در خصوص ماهواره، نقدهای بسیاری بر ممنوعیت مطلق ماهواره وارد شده است. منتقدان با استناد به عدم کارآمدی این قانون خواستارند تا استفاده از تجهیزات ماهواره جرم زدائی شود و یا به نحو دیگری مثل راه حل‌های فرهنگی به مقابله با ماهواره پرداخته شود. آن‌ها معتقدند در مقابل رشد سریع دانش فنی ماهواره و مشکلات ناشی از آن، مسؤلان فرهنگی ملزم به انجام اقدامات شایسته در این زمینه اند و معتقدند وضع مجازات و جمع آوری فیزیکی تجهیزات ماهواره راه حل مناسبی برای مقابله با آن نیست (گروه مطالعات حقوقی سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۰، صص ۱۷۹ و ۱۸۰).

با توجه به انتقادات متعدد، طرح استفاده مدیریت شده از ماهواره در مرداد ماه ۱۳۸۵ مطرح شد. در این طرح نیز مانند قانون سال ۱۳۷۳ همچنان استفاده از ماهواره ممنوع بوده و جرم است و امر به جمع آوری تجهیزات غیر مجاز دریافت از ماهواره نموده است (مواد ۸ و ۲ طرح استفاده مدیریت شده از ماهواره ۱۳۸۵). در این طرح استفاده از ماهواره در مجتمع‌های مسکونی، شهرک‌ها و هتل‌ها ممنوع شده است اما برای استفاده از برنامه‌های مفید ماهواره پیش بینی تأسیس سه کانال توسط صدا و سیما شده است تا برنامه‌هایی را که مغایر با ارزش‌ها و مبانی فرهنگ اسلامی و ملی نباشد را دریافت و پخش کند (مواد ۳ و ۴ طرح استفاده مدیریت شده از ماهواره ۱۳۸۵). به نظر می‌رسد در این طرح، با وجود شباهت‌های آن با قانون فعلی، به آثار مفید و مثبت ماهواره نیز توجه شده است و تهیه کنندگان طرح نخواستند تا مخاطب از برنامه‌ها و اطلاعات مفید ماهواره بی بهره بماند؛ اما برای پیشگیری از جرم و آثار مخرب آن، همچنان اصل را بر ممنوعیت استفاده قرار داده‌اند.

اما لازم است قانونگذار، بر جنبه‌های مثبت ماهواره تأکید داشته و آن را بیشتر گسترش دهد و مانند سایر کشورهای دنیا، در کنار توجه به جنبه‌های منفی ماهواره و حذف برنامه‌های مخرب از طریق فیلترگذاری، بر برنامه‌های متنوع علمی، فرهنگی، تحلیل‌های سیاسی،

بهداشتی، اجتماعی و... آن نیز توجه داشته و آنها را رواج دهند. پیش بینی کانال‌های خاص برای بخش برنامه‌های مفید ماهواره و خروج آنها از دایره ممنوعیت ایجاد شده در قانون می‌تواند ماهواره را به عنوان وسیله‌ای که با تأثیرات مفید در زندگی اجتماعی و ارتقای سطح دانش اجتماعی، در پیشگیری از جرم نقش بسزایی ایفا نماید. در راهکار سیاست جنایی تقنینی می‌توان با پیش بینی اخذ برنامه‌های آموزشی، اجتماعی و سیاسی ماهواره، آثار منفی تأثیر جرم بر جامعه، تبیین مجازات‌ها و عواقب عمل برای مجرم و ارائه آن به مخاطب ایرانی، انگیزه عمل مجرمانه را در جامعه کاهش داد.

۳-۱- قانون انتشار اطلاعات مربوط به جرایم مالی و اقتصادی

قانون دیگری که قانونگذار در آن، هدف پیشگیری از جرم را دنبال می‌کند قانون انتشار اطلاعات مربوط به جرایم مالی و اقتصادی است. رسانه می‌تواند با معرفی مجرمین در مرحله کشف جرم، ارائه برنامه‌های آموزشی برای زندانیان بعد از طی مجازات در جامعه و خانواده، نمایش آثار مثبت برنامه‌های عدالت ترمیمی و آثار مخرب حبس و... به کاهش جرم و پیشگیری از ارتکاب جرم توسط سایرین و تکرار جرم شخص مجرم بپردازد. یکی از نمونه‌ها که رسانه در انتشار اطلاعات مجرمین نقش مؤثری دارد و در خود قانون این امر پیش بینی شده است، قانون انتشار اطلاعات مربوط به جرایم مالی و اقتصادی (ر.ک. به: قانون انتشار اطلاعات مربوط به جرایم مالی و اقتصادی) است.

در این قانون پیش بینی شده که پس از وقوع جرم در مرحله تعقیب و رسیدگی علنی، رسانه‌ها حق آگاهی از این مطالب و انتشار اطلاعات مربوط به آن را دارند که حتی این درج اطلاعات محکومان، به نوعی مجازات ترمیمی تعیین شده است؛ اما این انتشار اطلاعات محدود است به: الف. اطلاعات مربوط به هویت متهم، بزه دیده و شاهد؛ ب. نظر کارشناسی و سایر دلایل؛ ج. سوابق کیفری متهم (مواد ۳ و ۸ قانون انتشار اطلاعات مربوط به جرایم مالی و اقتصادی). علاوه بر آن حتی در زمینه کشف جرم، شناسایی و دستگیری و تعقیب متهم نیز مراجع قضایی می‌توانند برای دستگیری مجرم به افشاء هویت متهم از راه رسانه بپردازند (ماده ۵ قانون انتشار اطلاعات مربوط به جرایم مالی و اقتصادی).

این امر برای کشف سریع جرم و دستیابی دستگاه قضایی به مجرم راهکار ساده‌ای است؛ اما به نظر می‌رسد این راه حل، به نوعی القای وظیفه خود به عهده دیگران است؛ زیرا قوه قضائیه، که خود وظیفه دستیابی به متهم را دارد این وظیفه را بر عهده مردم محول می‌کند. علاوه بر آن، این مسأله خلاف اصل برائت است. زیرا بر اساس این اصل، فرد، بی‌گناه محسوب می‌شود تا اینکه جرم او ثابت گردد اما اعلام نام فرد از طریق رسانه، بدین صورت، باعث خدشه به هویت فردی می‌شود که هنوز جرم او اثبات نشده است و این امر موجب پیشگیری از جرم نمی‌شود؛ بلکه تنها ساده کردن کار قوه قضائیه است.

در این قانون اختیار دیگر رسانه انتشار مواد فساد و تخلفات اداری گزارش‌های سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کشور، بدون افشاء هویت است (ماده ۷ قانون انتشار اطلاعات مربوط به جرایم مالی و اقتصادی). پس می‌توان گفت در این قانون، همکاری نزدیک قوه قضائیه و رسانه پیش بینی شده است تا در مرحله پس از وقوع جرم، قوه قضائیه بتواند از طریق رسانه به سیاست جنایی پیشگیری از جرم دست یابد. درباره نقش قوه قضائیه در پیشگیری از جرم در مراحل مختلف، باید افزود، قوه قضائیه علاوه بر مرحله پس از وقوع جرم، در مرحله پیش از وقوع جرم و حین وقوع نیز وظیفه پیشگیری را بر عهده دارد و نقشی اساسی ایفا می‌کند.

۴-۱- قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات با هدف آزادی افراد و سازمان‌ها در دستیابی به اطلاعات در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۳۱ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید و مؤسسات عمومی را مکلف می‌کند اطلاعات مورد نیاز را با شرایط بیان شده در دسترس عموم قرار دهد اما استثنائاتی را پیش بینی نموده که در صورت وجود آن شرایط، مؤسسات مذکور نه تنها اختیار داشته بلکه لازم است از دادن اطلاعات خودداری ورزند. یکی از موارد، که ارائه اطلاعات به جریان پیشگیری از جرم، کشف جرایم، تعقیب جرم و بازداشت مجرمان، لطمه وارد سازد که در ماده ۱۷ این قانون پیش بینی شده است.

بر طبق ماده فوق، با وجودی که اصل دسترسی آزاد افراد به اطلاعات پیش بینی شده اما در مواردی که افشای اطلاعات، مانع پیشگیری از جرم شده و یا سیر دستگیری متهم یا مجرم را با

مشکل مواجه می‌سازد، ممنوع می‌باشد. در این مورد نیز رسانه می‌تواند نقش مؤثری ایفا نماید. همان‌طور که انتشار اطلاعات و اطلاع‌رسانی از سوی رسانه‌ها نقش ارزنده‌ای دارد، در مواردی این انتشار اطلاعات از جانب آن‌ها می‌تواند خطرات و پیامدهای فراوانی داشته باشد. انتشار اطلاعات در برخی مواقع موجب جری شدن مجرمان، از بین رفتن قبح اعمال، آموزش انجام جرم، اطلاع یافتن از پیگیری قانونی و فرار مجرمان و... می‌شود و نه تنها موجب پیشگیری نشده بلکه جرایم را افزایش داده و سیر پیگیری قانونی را افزایش می‌دهد. به همین دلیل لازم است رسانه، در انتشار اطلاعات عمومی، دقت زیادی داشته باشد تا قبل از موعد آن‌ها را منتشر نسازد و از انتشار اطلاعاتی که پخش آن مضر است و به جریان پیشگیری از جرم لطمه وارد می‌آورد، جلوگیری نماید.

۵-۱- قانون اساسی و نقش قوه قضائیه در پیشگیری از جرم

قانون اساسی در بند ۵ اصل ۱۵۶ خود، اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم را وظیفه قوه قضائیه دانسته است. با توجه به بند ۴ این اصل به نظر می‌رسد که قانونگذار در بند مزبور به دنبال پیشگیری غیر کیفری بوده است (بیات و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). پیشگیری به معنای مانع ایجاد جرم شدن در سه مرحله پیش از وقوع جرم، زمان وقوع جرم، و پس از آن مطرح است. از یک دیدگاه می‌توان گفت، قوه قضائیه تنها پس از وقوع جرم وارد عمل می‌شود و وظیفه پیشگیری از جرم پیش از وقوع را بر عهده ندارد زیرا پیشگیری در این معنا بر عهده مقامات اجرایی است. قوه قضائیه برای پیشگیری از وقوع جرم نقش مدیریتی دارد و سیاست‌گذاری می‌کند، اما اجرای سیاست‌ها بر عهده نهادهای اجرایی است (پیشین، ۱۲۷ و ۱۲۸).

تدابیری که قوه قضائیه در جایگاه پیشگیری در این مرحله استفاده می‌کند، اغلب با هدف اصلاح مجرم و پیشگیری از تکرار جرم است (صفوی، ۱۳۸۹، ص ۳۳) که شامل مواردی چون اتخاذ تدابیر بازپرورانه، مشاوره درمانی، مددکاری، کاهش عناوین کیفری، زندان‌زدایی و اعمال مجازات‌های جایگزین زندان، بازگرداندن زندانی به دامان خانواده، بازپروری زندانیان، بسترسازی برای ایجاد اشتغال در زندان، بهره‌گیری از تأسیسات مناسب جزائی چون تعلیق اجرای مجازات و تعلیق مراقبتی، آزادی مشروط از زندان، آزادی از زندان به شرط سپردن

ضمانت، اعمال کیفیات مخففه و عفو عمومی یا خصوصی، کیفرزدایی که جزء سیاست‌های استراتژی توسعه قضایی است، می‌باشد (نقره کار، ۱۳۸۲، صص ۲۲۹-۲۱۸).

در تمام وظایفی که قوه قضائیه، بعد از وقوع جرم برای پیشگیری از وقوع جرم انجام می‌دهد، رسانه می‌تواند جایگاه ارزشمندی داشته باشد و به عنوان ابرازی در دست قوه قضائیه برای پیشگیری از جرم مورد استفاده قرار گیرد. یکی از کارهای قوه قضائیه برای پیشگیری از جرم که رسانه در آن نقش مؤثری ایفا می‌نماید، بازگرداندن زندانیان به دامن خانواده است. در این راستا آزاد کردن زندانیان محکوم به دیه، یکی از مصادیق است. پرداخت دیه محکومان به دیه، از طریق ستاد دیه از محل صندوق دیه (بیت المال) در موارد متعدد در قوانین و مصوبات هیأت وزیران (مانند مصوبه شماره ۱۸۳۲۱۳/ت/۴۴۸ه در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۳ و مصوبه شماره ۱۶۹۳۰۶/ت/۴۱۴۲۳ه مصوب ۱۳۸۷/۹/۲۰). تصریح شده است. علاوه بر آن در سال‌های اخیر با تشویق مردم به کمک به زندانیان نیازمند محکوم به دیه، بخشی از این بدهی‌ها نیز توسط مردم با گلریزان پرداخت می‌گردد. این آزادی از زندان، همراه با دوری از مفاسد زندان (که اغلب همراه با آموزش جرایم می‌باشد) زمینه پیشگیری از تکرار جرم مشابه یا گوناگون را در فرد می‌کاهد و به نوعی باعث پیشگیری از جرم می‌گردد. همچنین حضور سرپرست در خانواده و تأمین معاش اعضای خانواده و تأمین عاطفی آنان نیز باعث پیشگیری از جرم اعضای خانواده زندانیان می‌گردد.

از دیدگاه واقع بین دیگری، نقش قوه قضائیه با توجه به اطلاق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی منحصر به مرحله پس از وقوع جرم نیست. جایگاه قوه قضائیه در دو مرحله پیش از وقوع جرم و زمان وقوع جرم، بیشتر قابل توجه و شایسته دقت است. در همین راستا در قوه قضائیه معاونت تحقیقات و پژوهش و معاونت پیشگیری از وقوع جرم فعالیت می‌نماید و تدوین لوایحی مانند لایحه پیشگیری از جرم، از ابتکارات این معاونت، برای تحقق هدف پیشگیری است (صفوی، ۱۳۸۹، ص ۳۳؛ مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۸۲، ص ۲۰۴). در مرحله پیش از وقوع جرم، قوه قضائیه با هدف پیشگیری از جرم از راهکارهایی چون تأمین عدالت و رفاه اجتماعی، مبارزه با فقر و گرفتاری، تأمین امنیت اجتماعی با استفاده از ساز و کارهای اربعی و بازدارنده، حمایت از

خانواده برای جلوگیری از وقوع جرایم جنسی، فرار دختران، بی بند و باری‌ها و... استفاده می‌کند.

همچنین از طریق تحقق سریع عدالت با سرعت و دقت در رسیدگی، رعایت اصل تساوی در اعمال قانون و اجتناب از تبعیض، حسن اخلاق در برخورد با مردم و ایجاد شوراهای داوری و حل اختلاف، یا از راه اصلاح قوانین به وسیله بزه پوشی، جرم‌زدایی، کیفر زدائی و یا ملایمت کیفرها، سعی در پیشگیری از جرم می‌نماید (مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۸۲، صص ۲۱۷-۲۰۷). یکی دیگر از راهکارهای قوه قضائیه که به عنوان سنگ بنای روشهای پیشگیرانه است، استفاده از آموزش، اطلاع رسانی و تبلیغات است (نقره کار، ۱۳۸۱/۹/۲۱، بخش اول).

قوه قضائیه با جلب همکاری دستگاههای مختلف دولتی و غیر دولتی مانند مدارس، رسانه‌ها، سازمان‌های غیر دولتی، تشکلهای مردمی، پلیس و خود مردم، دامنه آموزش را به همه نهادهای اجتماعی به ویژه خانواده گسترش می‌دهد (چاله چاله، ۱۳۸۷، ص ۵۳). یکی از این دستگاه‌ها رسانه است. استفاده از هنر، برای پیشگیری از جرم، امروزه از جدی‌ترین و علمی‌ترین اصول مدیریت است؛ چرا که بیان اصول و قوانین خشک، اگر در قالب زبان مردمی و هنرمندانه نباشد، اثر بخش نخواهد بود.

قوه قضائیه از طریق درج شعارها و هشدارها به طور مستمر در مطبوعات کثیرالانتشار، تهیه جزوه و کتابچه‌ها و بازی‌های جذاب و ارائه به افراد، شعار و تیزرهای تبلیغی در صدا و سیما و سایر رسانه‌ها، استفاده از کلیپ‌های مناسب برای فرهنگ سازی مثل استفاده از کمربند ایمنی، نحوه مقابله با جرم در برابر سرقت از منزل، سرقت از فروشگاه‌ها و رعایت اصول ایمنی برای پیشگیری از جرم، سعی می‌کند تا از راه رسانه از وقوع جرم پیشگیری نماید (چاله چاله، ۱۳۸۷، ۵۳؛ نقره کار، ۱۳۸۱، بخش اول).

در مرحله وقوع جرم نیز، قوه قضائیه با انجام یک پروسه مطالعاتی و میدانی و با هدف شناخت بستر جرم، علل و عوامل بروز جرم، به تدوین شناسنامه کیفری می‌پردازد که این امر به نوعی شناخت جامعه مؤثر در جرم، علل روانی و سایر عوامل تأثیر گذار در جرم است تا با شناخت این مسائل سعی در از بین بردن عوامل جرم‌زا نماید (نقره کار، ۱۳۸۱، بخش اول). قوه قضائیه برای رسیدن به این هدف، به تأسیس «معاونت پیشگیری از وقوع جرم» در استان‌ها اقدام

نموده است (پیشین، بخش دوم). در این راه اولاً رسانه برای ایجاد فرهنگ بررسی علل روانی جرم و تشکیل پرونده شخصیت می‌تواند مؤثر باشد؛ ثانیاً، می‌تواند به قوه قضائیه در شناسایی علل و مناطق جرم‌زا و از بین بردن این عوامل کمک بسیاری نماید؛ چرا که بسیاری از مرتکبین جرایم، جزء مخاطبین رسانه هستند و رسانه می‌تواند قبل از وقوع جرم، با فرهنگ سازی، آموزش هنجارها، بر روی مخاطبان تأثیر بگذارد. علاوه بر آن می‌تواند به تغییر جامعه و سایر عوامل مؤثر در جرم مانند عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی و... نیز بپردازد.

۲ - بررسی نقش رسانه در پیشگیری از جرم در سیاست جنایی مشارکتی ایران

امروزه با رشد فزاینده و روز افزون ناهنجاری‌های اجتماعی و جرایم، عدم کارآمدی روش‌های سنتی مبارزه با جرم، به عنوان یکی از موضوعات مهم و قابل توجه در قلمرو سیاست جنایی مورد بحث قرار گرفت. اهمیت مشارکت شهروندان در سیاست جنایی بدان لحاظ است که قوانین و تدابیری که دولت برای سرکوبی و یا پیشگیری از جرم اتخاذ می‌کند در صورت عدم برخورداری از پایگاه مردمی در معرض خطر عدم اجرا و عدم استقرار قرار می‌گیرد (جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۰).

سیاست جنایی مشارکتی، بررسی و مطالعه جایگاهی است که در سیاست جنایی یک کشور به جامعه مدنی و از طریق اعطای نقش به بزه‌کار، بزه دیده و به ویژه کل جامعه و مردم داده شده است (لازرژ، ۱۳۹۰، ص ۶۱؛ دلماس مارتی، ۱۳۸۱، ص ۸۳؛ رستمی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۱). این نوع از سیاست جنایی، اقدامات در مرحله کشف جرم، تعقیب دادرسی و اجرای حکم را در بر می‌گیرد که با همکاری وسیع جامعه مدنی، نهادهای مردمی و نیروهای دولتی مانند پلیس، سازمان زندان‌ها، سازمان محیط زیست، جنگل بانی و... با دستگاه قضایی انجام می‌شود (باصری، ۱۳۸۷، ص ۳۷؛ رحمدل، ۱۳۸۵، ص ۱۷). اهداف سیاست جنایی مشارکتی عبارتند از:

هدف اول آن جلب افکار عمومی در افزایش کارآیی این نهادها و کاهش هزینه‌های انسانی و مادی کشف و پیگرد جرایم است؛ هدف دیگر مشارکت مردم در حل و فصل دعاوی مبتنی بر صلح و سازش، میانجی‌گری، تلطیف مجازات‌ها، همکاری در مشخص شدن مجازات‌ها، کمک به زندانیان نیازمند، گذر از عدالت کیفری به عدالت ترمیمی - قضایی است؛

(باصری، ۱۳۸۷، ص ۳۷) هدف سوم، اعتبار بخشیدن به طرح سیاست جنایی تنظیم شده توسط قوه مقننه و قوه مجریه است؛ هدف چهارم فراهم کردن زمینه اجرای سیاست‌ها با استفاده از قدرت رسانه‌ها، انجمن‌ها و شهروندان است (لازرز، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹) و هدف پنجم آن، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه پیشگیری و پاسخ دهی و بازپذیری اجتماعی بزهکاران است. در واقع تأمین امنیت به عنوان نتیجه مبارزه با پدیده مجرمانه، خود هدف عمده‌ای است که با مشارکت مردم تحقق می‌یابد و سیاست جنائی مشارکتی در پی آن است تا دو مقوله امنیت و پیشگیری را با توسل به خود مردم محقق نماید (جمشیدی، ۱۳۹۰، ۲۴ و ۲۶ و ۲۵). چرا که مشارکت، کلید موفقیت برای امنیت اجتماعی است و با وجود امنیت در اجتماع، از بروز جرائم و حوادث خشونت بار، پیشگیری خواهد شد. به همین دلیل می‌توان گفت، دخالت افراد جامعه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور اجتماعی، موجب افزایش سازگاری اجتماعی و تقویت امنیت می‌گردد که زمینه ساز توسعه پایدار اجتماعی است (همان، ص ۹۲).

در این سیاست جنایی، برای پیشگیری از جرم و مبارزه با آن از اسباب و وسایل مختلف دولتی و غیر دولتی کمک گرفته می‌شود. یکی از این وسایل که در این نوع سیاست جنایی جایگاه ارزشمندی دارد و می‌تواند به نحو مستقیم به ایفای نقش بپردازد رسانه است. در توجیه این مسأله باید بگوییم که اگر سطح اطلاعات عامه درباره تبهکار، علل وقوع جرم، وسایل مبارزه علیه جرم و وسایل پیشگیری از جرم و... بالاتر رود، پیشگیری بهتر تأمین می‌شود.

از آنجا که ضرورت ایجاد سازماندهی برای آگاهی عامه محسوس شده است، برای آگاهی دادن به عموم باید از راهی استفاده شود که مورد استفاده عموم است، به همین دلیل برای آگاهی دادن، می‌توان از طریق تلویزیون، نصب آگهی‌ها، توزیع جزوات و... استفاده کرد (گسن، ۱۳۷۰، ص ۱۱۱). در این خصوص به نظر می‌رسد که رسانه‌هایی چون تلویزیون، مطبوعات و... نقش مؤثری ایفا می‌کنند، چرا که قشر مخاطب آنان گسترده تر بوده و اقشار با سنین، جنسیت‌ها، فرهنگ‌ها، عقاید و افکار مختلف را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر نوعی ارتباط متقابل بین فرستنده و مخاطب برقرار است و مردم می‌توانند نقش مؤثری در رسانه‌ها، به ویژه تلویزیون ایفا کنند و افکارشان به طرق مستقیم و غیر مستقیم وارد رسانه گردد و برنامه‌های رسانه را جهت می‌دهد.

۲-۱- آموزش

یکی از روش‌های سیاست جنائی مشارکتی برای تحقق هدف پیشگیری از جرم، استفاده از روش آموزش است. در این روش تلاش می‌شود تا از طریق ابزارهای مختلف و با کمک نهادهای مردمی و مشارکت فعالانه افراد جامعه، پیشگیری از جرم را به مردم آموزش دهند. وسایلی که برای آگاه کردن مردم انتخاب می‌شوند باید با سطح تسهیلات و موقعیت زندگی اکثریت مردمی که این اطلاعات به آن‌ها منتقل می‌شود، مطابقت داشته باشد. در این رابطه، رسانه‌های گروهی دارای نقش ارزشمندی هستند.

در سومین کنگره پنج سالانه ملل متحد درباره پیشگیری از جرم که در سال ۱۹۶۵ در سوئد برگزار شد، موضوع مشارکت فعال مردم و نیروهای اجتماعی، در برنامه‌های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری را در قسمتی از برنامه خود، مورد بررسی قرار داد (فتح الهی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۸). در این کنگره، آموزش به عنوان یک راهبرد محوری در توسعه سیاست جنائی مشارکتی به شمار رفته و بر نقش رسانه در آموزش نیز تأکید شده است. در کنگره توصیه شده که شرکت و همکاری مردم در مقابله با بزهکاری باید تسهیل گردد و مقدماتی فراهم شود که مؤسسات خصوصی در تأدیب و اصلاح نوجوانان اقدام نمایند و سازمان‌های خیریه نیز در ارائه خدمات اجتماعی، شرکت فعال داشته باشند. همچنین در روش‌های همکاری با مردم باید توجه بیشتری به برنامه‌های آموزشی پرسنل رسمی شود و رسانه‌های گروهی برای جذب همکاری داوطلبانه مردم به کار گرفته شوند. همچنین باید به افرادی که می‌خواهند در جلوگیری از نابسامانی‌ها شرکت کنند اما به دلیل عدم اطلاعات آن‌ها، اجرای نادرست و زیان بار قانون محقق شده و مشکلاتی ایجاد می‌گردد، باید از طرق مختلف به آن‌ها آموزش داده شود. ۵ سال بعد پس از آن نیز در چهارمین کنگره ملل متحد درباره پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران، موضوع مشارکت سازنده مردم و نهادهای مردمی در سیاست جنائی، به عنوان یکی از موضوعات اصلی و مهم در دستور کار کنگره قرار گرفت (همان، صص ۱۸۹ و ۱۹۰).

رسانه‌های ارتباط جمعی دارای قدرت و شعاع عمل وسیعی در میان توده‌های مردم می‌باشد. بدین سان، به سبب آگاه سازی می‌توانند کارکرد آموزشی پیشگیرانه داشته باشند (جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۵). رسانه، برای رسیدن به هدف پیشگیری از جرم و آگاهی دادن به عامه

مردم، باید با برنامه ریزی‌های خاص به آموزش مردم بپردازد. نقش آموزشی رسانه سبب می‌شود که عامه مردم، چهارچوب‌ها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را شناخته و سعی بر مطابقت با اجتماع داشته باشند. این آموزش علاوه بر هنجار پذیری و پیشگیری از جرم، نوعی ابزار کنترل اجتماعی نیز به شمار می‌رود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، ص ۲۵۷).

این آموزش باید در راستای شناخت مفاهیم بنیادین ملی و امنیتی (خصوصاً قانون اساسی) و التزام و پای بندی به قانون اساسی، احترام به قانون، درک مفاهیم اساسی چون دموکراسی، آزادی و مذهب، آموزش هنجارها خصوصاً هنجارهای رسمی نظام سیاسی، آموزش مفاهیمی چون دین، ولایت فقیه، آشنایی با نظریات مختلف سیاسی و اجتماعی و.. باشد (پیشین، صص ۲۵۸ و ۲۵۹). البته این آموزش باید با استفاده از شیوه‌های جذاب انجام پذیرد.

متأسفانه به دلیل ناآشنایی رسانه‌ها با حقوق و تکالیف خود در قانون اساسی، قانون مطبوعات، حقوق رسانه‌ها و ایهامات قانونی، مرز بین بازدارندگی از بزه و تشویق به بزهکاری دقیقاً مشخص نیست. به این علت، شفاف سازی تکلیف رسانه‌ها در برابر جامعه می‌تواند در خصوص آگاهی بخشی و اطلاع رسانی و آموزش رسانه در پیشگیری و بازدارندگی از وقوع جرم، تأثیر به سزایی داشته باشد (جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۵).

۲-۲- امر به معروف و نهی از منکر

انسان موجودی مدنی بالطبع می‌باشد و بدون ارتباط با سایر انسان‌ها، امکان بقای حیات او، متصور نیست. از دیدگاه اسلام نیز سرنوشت انسان‌ها با یکدیگر گره خورده است و عزلت و گوشه‌نشینی، مصداق فردگرایی و ناپسند و غیر قابل شمرده شده و مسؤولیت اجتماعی انسان، امری ضروری دانسته شده است. شکل ویژه مسؤولیت اجتماعی که اسلام آن را پذیرفته و بر حفظ آن اصرار دارد بر مبنای ولایت مؤمنین نسبت به یکدیگر است. این ولایت به حدی است که همه مؤمنان فارغ از منصب و موقعیشان را پوشش می‌دهد و نوعی حق و تکلیف متقابل را نسبت به همه افراد اجتماع، به رسمیت می‌شناسد. این امر مبنایی برای ضرورت وجود امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی است (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۳، ص ۸۴-۸۱).

قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «ولتكن منكم امة يدعون الى الخير و يامرون بالمعروف و ينهاون عن المنكر و اولئك هم المفلحون» (آل عمران، آیه ۱۰۴). این مسأله را می‌توان به نوعی سیاست جنائی مشارکتی اسلام دانست (رشادتی، ۱۳۸۷، ص ۳۴۴). به همین مناسبت در اصل هشتم قانون اساسی نیز به این امر مهم اشاره شده است و امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت شناخته شده است.

محیط اجتماعی می‌تواند محل رشد مجرمان باشد. کسانی که استعداد لازم برای ارتکاب اعمال مجرمانه را دارند، اگر بدون هیچ گونه مقاومتی از ناحیه جامعه روبرو شوند، فرصت لازم برای به فعلیت رساندن اندیشه‌های خویش را مهیا یافته و در پی آن میزان بزهکاری افزایش می‌یابد. امر به معروف و نهی از منکر، بیانگر حساسیت جامعه در برابر اعمال زشت و نابه‌هنجار است و زمینه عمل به هنجارها و عمل به نیکی‌ها را به دنبال دارد (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۳، صص ۹۹ و ۱۰۱ و ۱۰۲) و به عنوان ابزاری برای نظارت عمومی در راه پیشگیری و بازداشتن مردم از گناه و جرم است. در واقع احکام امر به معروف و نهی از منکر، با هدف پیشگیری از انحرافات اخلاقی، جرم و گناه در جامعه اسلامی تبیین شده است (چاله چاله، ۱۳۸۷، ص ۵۴).

اسلام برای نظارت بر جامعه خود، از طریق غیر رسمی و غیرسرکوب‌گر اقدام می‌نماید تا شخص، به لحاظ نیاز به اجتماع و حفظ جایگاه خود در جامعه دست از ارتکاب جرم یا استمرار آن بر دارد و به دلیل بازخورد منفی اجتماع در برابر عمل مجرمانه وی، از انجام عمل خود پشیمان شود. نظارت از طریق امر به معروف و نهی از منکر، نظارتی دائمی، فراگیر، همه‌جانبه می‌باشد (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۳، صص ۱۰۲ و ۱۰۳).

در وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نیز رسانه می‌تواند مشارکتی قوی داشته باشد؛ چرا که از یک سو رسانه با ارائه برنامه‌های دولت به مردم و آگاهی دادن و آموزش، پیشگیری از جرم می‌نماید. از سوی دیگر خود به عنوان یک شخصیت حقوقی و به عضویت از جامعه به امر به معروف مردم پرداخته و آنها را از حرکت به سوی جرم باز می‌دارد و محدوده‌های غیر مجاز و خط قرمزها را از طرق برنامه‌های مختلف به مردم آموزش داده و به نصیحت آنان می‌پردازد. از جنبه دیگر رسانه به عنوان نماینده مردم در نزد دولت، با رابطه نزدیکی که با مردم دارد، سخنان، انتقادات، پیشنهادات، نظرات و حتی شکایات مردم را شنیده و به نحو عمومی به مقامات دولتی

انتقال می‌دهد و به نوعی نظارت مردم بر دولت تأمین می‌شود. همچنین رسانه با بیان کلیه اخبار و اتفاقات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و آگاهی دادن به مردم، به نوعی دیگر، نظارت مستمر و آگاهانه مردم بر دولت را تأمین می‌کند و به محض کوچکترین خطایی از سوی خدمتگزاران مردم در دولت، مردم می‌توانند آنها را مواخذه کنند. این نظارت هوشیارانه مردم بر دولت، باعث پیشگیری از اعمال مجرمانه دولت مردان نیز می‌گردد. پس رسانه می‌تواند نقش مؤثری در آموزش و همچنین امر به معروف و نهی از منکر مردم و دولتمردان داشته و به رسالت پیشگیری از جرم در جامعه اقدام نماید.

در حال حاضر، در ایران، نقش وسیع رسانه در آموزش و امر به معروف و نهی از منکر، مورد توجه قرار نگرفته است و برنامه ریزی و مدیریت مناسب، برای استفاده از رسانه برای رسیدن به این اهداف، واقع نگردیده است.

نتیجه‌گیری

یکی از عناصر مهم در سیاست جنایی، امر پیشگیری از جرم است و از ابزارهای مهم پیشگیری از جرم، رسانه‌های گروهی است. با توجه به نقش مهم رسانه و تأثیر مثبت آن در پیشگیری از جرم، در سیاست جنایی ایران نیز برای رسانه، جایگاهی در نظر گرفته شده است. با وجودی که رسانه‌ها می‌توانند نقش بسیاری در پیشگیری ایفا نمایند و دولتها می‌توانند برای رسیدن به اهداف خود به راحتی از این وسیله استفاده نمایند و هزینه خود در مبارزه با جرم انحراف را کاهش دهند، جایگاه واقعی رسانه، در سیاست جنایی ایران در نظر گرفته نشده است و از این ابراز موثر هنجار آفرینی و فرهنگ‌سازی، استفاده شایسته‌ای نشده است.

در سیاست جنایی تقنینی ایران، در قوانین مختلف مانند قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره و قانون مطبوعات، برای رسانه‌های گروهی نقش جرم‌زا و جرم‌زدا پیش‌بینی شده است. در قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره، با توجه به آنکه، قانونگذار، ماهواره را جرم‌زا می‌داند، برای پیشگیری از جرم این وسیله، ورود ماهواره و استفاده از آن را ممنوع کرده و ضمانت‌اجراهایی نیز برای این ممنوعیت پیش‌بینی نموده است. در میان ضمانت‌اجراهای پیش‌بینی شده، کارکرد ضمانت‌اجراهای فیزیکی مناسب نیست و به نظر می‌رسد، بهتر است از راهکارهای فرهنگی برای این امر استفاده نمود که در این قانون مورد توجه جدی قرار

نگرفته است. در قانون مطبوعات، بر خلاف قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره، قانونگذار برای رسانه نقش پیشگیرانه در نظر گرفته است و بر اهمیت آن در امر پیشگیری از جرم تأکید نموده است. البته این پیش بینی، به صورت غیر مستقیم، قابل برداشت است و می‌توان جایگاه مهم آن را بهتر از حالت کنونی، پیش‌بینی کرد.

در سیاست جنایی قضایی ایران، نمی‌توان از میان رویه‌ها و آراء به طور مستقیم، نقشی برای رسانه یافت؛ اما در میان قوانین، نقشی برای پیشگیری از جرم، برای قوه قضائیه، در سه مرحله پیش از وقوع جرم، مرحله وقوع جرم و پس از وقوع آن در نظر گرفته شده و رسانه نیز به عنوان ابزاری در دست قوه قضائیه، در مراحل مختلف، پیش‌بینی شده است. رسانه، با معرفی مجرمین در مرحله کشف جرم، ارائه برنامه‌های آموزشی برای مجرمین و خانواده‌ها، ترویج عدالت ترمیمی، انتشار اطلاعات مجرمین، کمک بسیاری به قوه قضائیه در پیشگیری از جرم می‌نماید.

مهم‌ترین نقش رسانه در بخش سیاست جنایی مشارکتی است که در آن رسانه با آموزش و امر به معروف می‌تواند به آگاهی دادن به افراد جامعه پرداخته و موجب پیشگیری از جرم گردد. البته در این زمینه نیز نیازمند مدیریت، برای استفاده از رسانه در این راستا می‌باشیم که در ایران، نقش رسانه در این راستا مورد توجه قرار نگرفته است.

فهرست منابع

الف- کتاب‌ها

- قرآن کریم
- آقازاده، علیرضا، (۱۳۸۱)، سیاست جنایی تقنینی ایران در قلمرو جرایم قاچاق گمرکی، ارومیه: پیک سبحان.
- اسماعیلی، محسن، (۱۳۸۲)، قانون مطبوعات و سیر تحول آن در حقوق ایران، تهران: سروش.
- باصری، علی اکبر، (۱۳۸۹)، سیاست جنایی (داخلی و بین المللی) مواد مخدر، تهران: خرسندی.
- باصری، علی اکبر، (۱۳۸۷)، سیاست جنایی قضایی کودکان و نوجوانان (در حقوق داخلی و اسناد بین المللی)، تهران: خرسندی.
- جمشیدی، علیرضا، (۱۳۹۰)، سیاست جنایی مشارکتی، تهران: میزان.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات همایش رسانه‌ها و ثبات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسینی، سید محمد، (۱۳۸۳)، سیاست جنایی (در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - دانشگاه تهران.

- دانش، تاج زمان، (۱۳۷۶)، **مجرم کیست جرم شناسی چیست؟** تهران: انتشارات کیهان.
- دلماس مارتی، می ری، (۱۳۸۱)، **نظام های بزرگ سیاست جنایی**، دو جلدی، جلد اول، مترجم: علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: نشر میزان.
- رحمدل، منصور، (۱۳۸۵)، **سیاست جنایی ایران در قبال جرائم مواد مخدر**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
- رشادتی، جعفر، (۱۳۸۷)، **پیشگیری از جرم در قرآن کریم**، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- شامیاتی، هوشنگ، (۱۳۷۷)، **بزهکاری اطفال و نوجوانان**، تهران: ژوبین.
- **صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)**، (۱۳۶۱)، تهیه و جمع آوری مرکز مدارک انقلاب اسلامی، با مقدمه ای از علی خامنه ای، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی سازمان انتشارات انقلاب اسلامی.
- کی نیا، مهدی، (۱۳۷۳)، **مبانی جرم شناسی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گروه پژوهشی مطالعات حقوقی سازمان صدا و سیما، (۱۳۸۰)، **چالش های حقوقی بخش مستقیم برنامه های ماهواره ای در نظام ملی و بین المللی**، تهران: سروش.
- گسن، ریموند، (۱۳۷۰)، **جرم شناسی کاربردی**، مترجم: مهدی کی نیا، تهران: چاپخانه علامه طباطبایی.
- گودرزی بروجردی، محمد رضا، (۱۳۸۴)، **سیاست جنایی قضایی**، قم: سلسیل.
- لازرژ، کریستین، (۱۳۹۰)، **در آمدی بر سیاست جنایی**، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
- معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات (تهیه و گردآوری)، (۱۳۸۲)، **پیشگیری از جرم (مجموعه مقالات همایش علمی- کاربردی پیشگیری از وقوع جرم)**، تهران: قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات.

ب- مقالات

- آشنا، حسام الدین، (۱۳۷۶)، «**رسانه های فرامرزی و تأثیر گذاری بر رهبران افکار**»، فصلنامه رسانه، سال هشتم، شماره ۲، شماره ۳۰ پیاپی، تابستان ۱۳۷۶، صفحات ۵۲-۵۴.
- «**توصیه های نیروی انتظامی به خانواده ها (ماهواره و اینترنت)**»، نوشته شده در ۸۶/۶/۲۶، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:
<http://www.shahremelli.ir/html/modules.php?op=modload&name=News&file=article&sid=250>
- چاله چاله، فرشید، (۱۳۸۷)، «**اصول و مبانی پیشگیری از جرم**»، دادرسی، سال دوازدهم، شماره ۶۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷، صفحات ۴۵-۵۶.
- چیانی شهیری، داوود، (۱۳۸۲)، «**رسانه نهاد پیشگیری از وقوع جرم**»، مجموعه مقالات همایش علمی - کاربردی پیشگیری از وقوع جرم، تهران، معاونت انتظامی ناجا پلیس پیشگیری از جرم.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی، (۱۳۸۳)، «**امربه معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی**»، مجله فقه و حقوق، سال اول، تابستان ۱۳۸۳، صفحات ۷۷-۱۰۸.
- خالصی، محسن، (۱۳۸۳)، «**سیاست جنایی در پرتو قانون اساسی**»، نشریه حقوق اساسی، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۳، صفحات ۲۵-۵۰.

- رستمی، ولی، (۱۳۸۶)، «مشارکت مردم در فرآیند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال ۳۷، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶، صفحات ۱۳۹-۱۷۲.
- ساداتی، محمود، (۱۳۸۵)، «امنیت و سیاست جنایی»، دادرسی، سال دهم، شماره ۵۸، مهر و آبان ۱۳۸۵، صفحات ۳۶-۴۳.
- صفوی، سید حسین، (۱۳۸۹)، «اصل تناسب مجازات در سیاست جنایی قضائی»، ماهنامه دادرسی، سال چهاردهم، شماره ۷۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۹، صفحات ۳۲-۳۶.
- فتح الهی، سیامک، (۱۳۷۷)، «سیاست جنایی مشارکتی از دیدگاه سیاست جنایی سازمان ملل متحد»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۴، پائیز ۱۳۷۷.
- کریستیانز، جی، کیلفورد، (۱۳۷۵)، «اخلاق رسانه ای»، مترجم: مینو بهتاش، فصلنامه رسانه، سال هفتم، شماره ۳، شماره ۲۷ پاییز، پائیز ۱۳۷۵، صفحات ۳۰-۳۴.
- لواسور، ژرژ، (۱۳۷۱ و ۱۳۷۲)، «سیاست جنایی»، مترجم: علی حسین نجفی ابرند آبادی، تحقیقات حقوقی، شماره ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ و بهار و تابستان ۱۳۷۲، صفحات ۳۹۵-۴۳۶.
- محمد نژاد، پرویز، (۱۳۸۴)، «پروسی و شناخت سیاست جنایی و اثر آن بر نظم و امنیت اجتماعی»، اصلاح و تربیت، شماره ۳۹ (۱۲۴ پیاپی)، خرداد ۱۳۸۴، صفحات ۴۱-۴۲.
- نقره کار، صالح، (۱۳۸۱)، «رسالت پیشگیری از وقوع جرم، وظیفه مدعی العموم کشور»، حمایت، ۱۳۸۱/۹/۲۱.
- نوربها، رضا، (۱۳۷۸)، «سیاست جنایی سرگردان»، تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۵ و ۲۶، صفحات ۱۰۳-۱۲۸.

ج- جزوات

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۸)، **تقریرات درس سیاست جنایی**، دوره دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

د- قوانین، لوایح و آئین نامه ها

- آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها ۱۳۸۴.
- آیین نامه دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت.
- طرح استفاده مدیریت شده از ماهواره.
- قانون اساسی.
- قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- قانون انتشار اطلاعات مربوط به جرایم مالی و اقتصادی.
- قانون تأسیس وزارت اطلاعات مصوب ۱۳۶۲.
- قانون مطبوعات.
- قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره.
- قانون نیروی انتظامی.
- لایحه پیشگیری از جرم.
- لایحه قانونی راجع به تشکیل بهزیستی کشور، اصلاحی ۱۳۷۵.